



آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

خرداد ماه ۱۳۵۴

سال اول شماره ۳

اطلاعیه

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

جوانان و دانشجویان عزیز! هموطنان گرامسی!

تشکیل سازمان دانشجویان دمکرات ایران عجبناکه انتظار میرفت از جانب همه نیروها ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مپویره دانشجویان میهن پرست مبارز آگاه و دمکرات و مترقی ایران بعنوان گام نوین مهم و مثبتی در جنبش دانشجویان ایرانی تلقی گردید و مورد استقبال گرم و پرشور آنان قرار گرفت. این برخورد مثبت و گرم همراه با خشم و کین افسار گسیخته ماموران ساواک و مائوئیستها نشانه آن بود که در جنبش دانشجویان ایرانی یک جای خالی پر شده و سلاح تازه ای در اختیار نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دانشجویی قرار گرفته است.

تشکیل سازمان دانشجویان دمکرات ایران در بین جوانان میهن پرست مبارز آگاه و دمکرات و مترقی میهن ما واکنش ویژه ای را برانگیخت. جنبش جوانان ایران که همواره سهم مهمی در جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران داشته و نقش برجسته ای در مبارزه بخاطر آزادی، استقلال و ترقی میهن ما در دفاع از حقوق صنفی و سیاسی جوانان زحمتکش ما ایفا کرده همیشه در پیوند دوستانه و برادرانه ای با دانشجویان ایران قرار داشته است. مبارزه برای هدفهای عام مشترک و برضد دشمن مشترک زمینه عینی برای این پیوند دوستی و برادری بوده است.

جوانان و دانشجویان میهن پرست مبارز آگاه و دمکرات و مترقی میهن مادر صحنه پیکار بخاطر آزادی و استقلال و ترقی ایران عزیز ما و دفاع از حقوق صنفی و سیاسی جوانان ما عام از کارگر و دهقان و دانش آموز و دانشجو دست در دست هم و دوشا - دوش هم فداکاریها کرده و پیمان وفاداری به خلق و خدمت به خلق را باخون خویش مهور ساخته اند.

با چنین زمینه و چنین سنتی بود که پس از تشکیل سازمان دانشجویان دمکرات ایران ، نمایندگان جوانان میهن پرست ، مبارز ، آگاه ، دمکرات و مترقی ایران با سازمان دانشجویان دمکرات ایران تماس گرفتند و خواستار بحث و مشورت درباره مبارزه بخاطر هدفها مشترک شدند .

نتیجه این بحث و مشورت اینک برای اطلاع همه جوانان و دانشجویان میهن پرست ، مبارز ، آگاه ، دمکرات و مترقی و همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری اعلام میگردد :

— از آنجا که هدفهای اعلام شده از جانب سازمان دانشجویان دمکرات ایران ، هدفهای مشترک همه جوانان میهن پرست ، مبارز ، آگاه ، دمکرات و مترقی ایران ، امم از کارگر و دهقان و دانش آموز و دانشجو است ؛

— از آنجا که اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری ، از جمله در جنبش جوانان و دانشجویان ، شرط اساسی برای نیل به هدفهای ضتامپریالیستی و دمکراتیک است ؛

— از آنجا که وحدت سیاسی و سازمانی نیروهای پیشاهنگ جوانان و دانشجویان امری اساسی برای نیل به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در جنبش جوانان و دانشجویان است ؛

جوانان و دانشجویان میهن پرست ، مبارز ، آگاه ، دمکرات و مترقی ایران ضرور میدانند که در شرایط مشخص کنونی در سازمان واحدی بنام " سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " متشکل شوند .

جوانان و دانشجویان میهن پرست ، مبارز ، آگاه ، دمکرات و مترقی ایران معتقد و مطمئن اند که این وحدت سازمانی و سیاسی به گسترش و تشدید مبارزه جوانان و دانشجویان بر ضد تسلط امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم امریکا ، در میهن ما و بر ضد رژیم دیکتاتوری شاه و به اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در بین جوانان و دانشجویان ایران کمک موثر خواهد کرد .

" سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران " آماده است که با همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری ، و قبل از همه با این نیروها در بین جوانان و دانشجو برای نیل به هدفهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک همکاری کند .

پیروز یاسد مبارزه متحد جوانان و دانشجویان میهن پرست ، مبارز ، آگاه ، دمکرات و مترقی ایران بر ضد امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم امریکا ، و بر ضد رژیم دیکتاتوری شاه !

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

خرداد ماه ۱۳۵۴

پیروز باد مبارزه مردم و دانشجویان علیه استبداد سیاه

در فاصله روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد ماه صحنه دانشگاههای تهران، تبریز و مشهد، تظاهرات عظیم و با شکوه دانشجویان مبارز و میهن پرست ایران بود.

دانشجویان با استفاده از سالگرد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روز کشتار قبیح چندین هزار مردم بیگناه تهران توسط رژیم شاه، صحن دانشگاهها را با متینک پر عظمت خود بصورت سنگری برای دفاع از حقوق پایمال شده مردم ایران و علیه دیکتاتوری وزارت پید ریخ منابع و ثروت کشور از طرف امپریالیسم و دربار پهلوی در آورده بودند.

غریب دانشجویان و شعارهای آنها منجمله "سرنگون باد رژیم دیکتاتوری شاه" دیوارهای دانشگاه را میشکافت و در بیرون نیز طنین می افکند.

سازماندهی دانشجویان در بوجود آوردن یک چنین تظاهرات متشکل و منظم و با شعار بسیار درخشنده سیاسی بطوری رژیم ترور و سرنیزه شاه را بوحشت انداخت که شاه در روز بعد از این واقعه در مقابل گروه "دانشمندان و اندیشمندان" درباری این وضع را "غیرقابل تحمل" اعلام کرد!

کماندوهای وحشی سازمان تروریستی ساواک برای اینکه این فرمان خشمگین فرزند آن برومند خلق را برای فراغت افکار "آریامهر" در گلو خفه نماید، در هر سه دانشگاه به دانشجویان حمله بردند و با اسلحه گرم و سرنیزه عده ای را کشتند و تعداد گتیری از آنها را مجروح ساختند و چند صد نفر را نیز بازداشت نمودند.

هر چند از سرنوشت دانشجویان مجروح و دستگیر شده اطلاعی در دست نیست، ولی با سابقه ای کسرمدم ایران از این دیکتاتور و سازمان تروریستی اش دارند میتوان از وضع وخیمی که این دانشجویان دلیر فعلاً با آن روبرو هستند، تصویری داشت.

تظاهرات دانشجویان سه دانشگاه تهران، تبریز و مشهد برای ساواک بسیار غیرمنتظره بود، زیرا نمیتوانست تصور نماید که دانشجویان ایران در شرایط فاشیستی و ساواک زد دانشگاههای ایران دارای چنان قدرت سازمان دهی باشند که بتوانند حتی زیرم این سازمان سفاک چنین تظاهراتی برپا کنند.

عجز ساواک در شهر تم بیشتر بچشم میخورد، زیرا در این شهر مردم بیشماری در تظاهرات خیابانی بر گرد شعار "سرنگونی رژیم استبداد" جمع شدند و بطوریکه خبرگزاری های خارجی اطلاع میدهند، بیم آن میرفت که تمام مردم شهر به تظاهرات بپیوندند.

در اینجا ساواک با تانک و تفنگ بجان این میهن پرستان و آزادی خواهان افتاد و در نتیجه تعداد زیادی کشته و یا مجروح و دستگیر شدند.

تظاهرات اخیر بقدری گسترده و شریخش بود که ساواک دیگر نمیتوانست جلوی توسعه

آن را بگیرد • از این جهت بدستور این سازمان جنایت کار وسائل ارتباط جمعی هم مجبور شدند آنرا اعلام نمایند •

تظاهرات اخیر این سه دانشگاه و مردم قم نشان میدهد که سازماندهی تظاهرات توسط ای مردم حتی در شرایط ترور پلیسی امکان پذیر است و انقلابیون دانشجو و غیردانشجو میتوانند زیر چشم پلیس به تجهیز و تشکل مردم جامعه عمل بپوشانند •

بحرانی که رژیم شاه چه از جهت سیاسی و چه از نظر اقتصادی بدان دچار شد کار انقلابیون را در کار سازماندهی و مبارزه تسهیل میکند •

سرنگون باد رژیم منفور شاه !

د رود پرشور به رزمندگان دلیر جبهه خلق !



صحنه ای از تظاهرات اخیر مردم عبور قم

زنده باد همبستگی دانشجویان ایران با مبارزات خلق

یک عمر زندگی قهرمانانه در زندان

زندگی عزیزترین و گرانبها ترین سرمایه انسان است . و اگر کسی این عزیزترین و گرانبها ترین سرمایه را نه بخاطر خود و منافع شخصی خود ، بلکه در راه آزادی و روزی هموطنان و هموعان خود ، بخاطر تحقق آرمانهای والای بشری از دست بدهد ، قهرمانی است ، انسانی است شایسته آنکه در برابر خاطره تابناک وی بسه احترام و تجلیل سرتعظیم فرود آورده شود .

ولی اگر کسی در راه آزادی هموطنان و هموعان خود آزادی را از دست بدهد ، اگر کسی بخاطر بهر روزی هموطنان و هموعان خود از تمام مواهب زندگی محروم گردد ، اگر کسی تیغ خونین جلاد را بالای سر و کیسه پول وی را در برابر خود داشته باشد و با اینهمه لحظه ای در آرمانهای انقلابی خود تردید نکند ، اگر کسی تسلیم ناپذیر در برابر دشمن و وفادار به آرمانهای انقلابی ، جوانی را در سیاهچالهای زندان به پیروی برساند ، چنین انسانی قهرمان نیست ؟

چنین انسانی شایسته آن نیست که در برابر وی به احترام و تجلیل سرتعظیم فرود آورده شود ؟ چرا هست ؟ حتما هست ! و مردم ایران میتوانند بخود بیالند که در دامان آنها چنین قهرمانانی پرورش یافته اند . جنبش انقلابی ایران میتواند بخود بهالند که چنین پیشتازانی دارد .

صفر قهرمانی ۲۸ سال است که در زندان بسر میبرد .

سروان تقی گسمنش سروان عباس حجری ، ستوان یکم علی عموشی ، ستوان دوم رضا

شلتوکی ۲۱ سال است که زندانی اند .

زندانیان دیگری هم هستند که بین ۱۵ تا ۲۰ سال است که در زندان بسر میبرند . در زمانیکه سازمان جنایتکار ساواک به دستور شاه گروه گروه مبارزان میهن پرست و آزاده ما را به زندان میفرستد و از آنجا به شکنجه گاه و سرانجام میدان اعدام ، و هنگامیکه رژیم فاشیستی شاه از شدت خشم و کین به مبارزان راه آزادی و استقلال ایرانه بکوشد زندانیان سیاسی را به بهانه ها و وسائل مختلف سر به نیست کند . — و آخرین نمونه این جنایت قتل ۹ نفر گروه جزئی و بدنیال آن اعدام جنایتکاران **خمسین سلاخی** و **خسرو ترگل** بود . — زنده نگاه داشتن نام زندانیان سیاسی قدیمی ، که چون ستاره ای شفاف در آسمان ایران عزیز ما بدرخشند ، وظیفه همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری ، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و ایدئولوژیک آنهاست .

زنده نگاه داشتن نام این قهرمانان برای آنست که نمونه استحکام ، استواری ، مقاومت و

شجاعت آنها را در برابر دشمن و اعتقاد و وفاداری آنها به آرمانهای انقلابی سرمشق قرار دهیم .

زندۀ نگاهداشتن نام این قهرمانان برای آنست که افکار عمومی مردم ایران و جهان را از خطری که جان آنها را تهدید میکند مطلع سازیم .

زندۀ نگاهداشتن نام این قهرمانان برای آنست که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم .

د رود آتشین و پرشور ما به زندانیان قدیمی سیاسی!

ما انترناسیونالیست ها

به انتقام خون ارانسی

تنگسک های پرتغال میخک سرخ بر دهان گرفتند

به تقاضای روزنه

پنوم پنه را گسل آذین کردند

به تلافی بسز رگشیا فندچی و شریعت رضوی

تخصیلات درکوسا رایگان شد

بسا فتخار حکمت جو

"قص های بیسر" را در ویستام جنوسی گشودند

و آنگاه که نوبت بما رسد

بمانتقام آئند

به کودکانمان شیر مجانی خواهیم داد

به تقاضای عبدالخالق محبوب

انتخابات را آزاد خواهیم کرد

و به تلافی آبراهام فیشر

قزل قلعه را فرو خواهیم ریخت

و برای تجدید زیبایی شهرهایمان

مجسمه های شاه را در کوره های ریخته گری خواهیم افکند

همانگونه که میهن پرستان کشور های دیگر با مجسمه های

دیکتاتور های خود کردند

ما انترناسیونالیست ها

چنینیم !

«انتخابات» مضحک دیگر پهلوی

این ثنویت باطل و مغفور، این ثنویت شاه و سیا، که دیگر زوروش به روند تاریخ و بواقمیت مقاومت روزافزون خلق های ایران نمیرسد، کارش به مضحکه های غم انگیز کشید است.

شاه انتخابات میکند!

اول يك دستگاه تفتیش هويت میسازد بنام "حزب رستاخیز ملت ایران". هرایرانی میخواهد قدری "بی دردسر" زندگی کند، باید قبلاً درگداب تفتوه به شاه، شستشوی کند و سپس به خرابات "حزب رستاخیز" بخرامد. بقیه بقول خود شاه، "یا توده ای اند، که جایشان در زندان است، و پاکسانی اند که دیگر نباید از زندگی خود در ایران "توقعی" داشته باشند.

از جمع رستاخیزان عدای که پرونده شان در نزد ساواک "پاک" تر از دیگران است به "نامزدی انتخابات" برگزیده میشوند.

بنظور بازارگرایی این عده را وادار میکنند که توسط وسائل ارتباط جمعی از نبوغ شاه و از نوکری خودشان تمجید کنند.

باز از میان رستاخیزی ها عده ای مامور میشوند بنام "گروه معتمدین" و امثالهم از این گل های سرسید "بازعه" "بهتری" را دست چپین میکنند.

سپس وسائل ارتباط جمعی با بوق و کرنا بجان مردم میافتند که شاه بشما حق انتخاب عطا فرموده و استفاده کنید.

مردم استفاده نمیکنند! (x) بوق و کرنا در بی انعکاسی خفه میشود. از نوزده و فریاد میکشد و از نو در بی انعکاسی میمیرد!

کارت های انتخاباتی که برای توزیع آماده شده اند، بی مشتری میمانند، شاه موسسات دولتی و نیمه دولتی، کارمندان دولت و ارتشیان را مجبور میکند این کارت ها را در دست اعضای خود و خیانواده هایشان بگذارند. علیرغم این زور ورزی باز پیش از سه چهارم کارت ها روی دست شاه میماند و باد میکند.

شاه وزرا و سایر گردن کلفت ها را بجلو می اندازد که مراتب علاقه خودشان را به اخذ کارت الکترال ب مردم نمایش بدهند. باز آب از آب تکان نمیخورد. در چشم مردم نه انتخاباتی وجود دارد و نه پارلمانی.

از نظر مردم این مسخره بازی بقدری (x) و رژیم با پرکردن صندوقها با آراء تقلبی به جنگ مردم میرود و مثلاً در تهران از حولش در دیگ حلیم می افتد (آراء درون صندوقها بمراتب بیشتر از تعداد

رای دهندگان بود!)

سفینه است که حتی به پوزخند هم نمی آزد . بازیگران این کمدی نفر به نفر سنگ روی یخ میشوند . از آن هم بدتر ! کاندید ها چنان در مظان ساواکی قرار میگیرند که از ترس نفرت مردم زیر گوش قوم خویش و آشنا مذبوهانه قسم و آیه میخورند که سرشک به توپره سازمان امنیت بند نیست .

شاه تو دهنی خورده به گدای قلچماقی شبیه شده که بیهوده کوشید و بزور از مردم گدائی رای بکند . حال که زوروش نرسیده به ساواک ، این تخم و ترکه جهنمی خودش هم سوء ظن پیدا میکند . فرمان میدهد که در امر "انتخابات" که محصول فکر علیل ساواک است ، نظارت عالییه با "سازمان بازرسی شاهنشاهی" باشد . یعنی این سازمان تازه خود ساواک را زیر نظر بگیرد .

مردم نه به شاه ، نه به سازمان بازرسی شاهنشاهی ، نه به ساواک ، نه به "حزب رستاخیز" و نه به "انتخابات" و نه به "کاندیدها" اعتنائی ندارند . مردم سرگرم تدارک و تجهیز انقلاب اند ، مردم به بنگلادش غیرتغال ، موزامبیک ، آنگولاه ، حبشه ، عراق ، فلسطین ، کامبوج ، لاوس و بالاخره به ویت نام می اندیشند .

ظاهرا فقط یکنفر به مضحکه شاه توجه دارد .
 سناتور امریکائی ادوارد کندی در نطق خود سخت شک مهورزد که رژیم شاه برقرارماند .



یسک خبر موثق !

چند روز قبل از کنگره "حزب رستاخیز ملت ایران" ، در تبریز یک نفر کلمات زیر را به گردن سگ ولگردی آویخته و وی را در خیابان رها کرده است . پلیس سگ را دیده و برای شناختن صاحب آن ، سگ را مدتی تعقیب کرده است . در نتیجه سگ ولگرد مدتی در کوچه و خیابان راه میرفته است . ولی چون سگ ولگرد بوده تعقیب پلیس بجائی نرسیده و سرانجام سگ هم بر اثر تیراندازی پلیس فرار کرده است . کلمات چنین بوده است : "من هم بنوبه خود حاضریم که در حزب رستاخیز ملت ایران عضو شوم"

فعالیت‌های افشاگرانه

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در خارج از کشور

مرکز در جشن سیاره ماربورگ / آلمان غربی

در جشن سیاره حزب کمونیست آلمان در شهر ماربورگ در تاریخ ۲۲ تا ۲۳ مه ۷۵ از طرف جوانان و دانشجویان دمکرات ایران غرفه‌ای برپا شده بود. در این غرفه عکسهای شهدای جنبش انقلابی ایران و زندانیان سیاسی و نیز پلاکتهای همبستگی با زندانیان سیاسی ایران نصب شده بود. نشریه افشاگرانه‌ای درباره سیاست نظامی رژیم ایران نیز پخش گردید و بدیدار کنندگان از غرفه توضیحات لازم درباره رژیم ترور و اختناق در ایران داده شد.

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران توانستند با ایراد یک سخنرانی از جانب نماینده خود کوشش خود را برای افشاء کردن رژیم شاه گسترش دهند. فعالیت این جوانان و دانشجویان ونقشی که در افشاء رژیم شاه ایفا کرده بودند، چنان مورد توجه کمیون عمومی دانشجویان قرار گرفت که "آستا" از جوانان و دانشجویان دمکرات دعوت کرد که در محیط دانشگاه نمایشگاه عکس برپا سازند و در باره اوضاع سخنرانی کنند. ۱۲۵۰۰ نفر از این نمایشگاه دیدن کردند. هفتصد و پنجاه مارک کمک جمع آوری شد.

نمایشگاه عکس



ماربورگ / آلمان غربی

در روزهای ۴ و ۵ ژوئن نمایشگاه عکسی در صحن دانشگاه ماربورگ برگزار شد و دو نشریه همگی درباره فعالیت انصارگران آلمان غربی در ایران و دیگری درباره سازمان تروریستی امنیت پخش گردید. این نمایشگاه از طرف بیش از ۲۰۰۰ دانشجو و دیگر کارکنان دانشگاه مورد بازدید قرار گرفت.

فرانکفورت / آلمان غربی

در روز ۱۸ ژوئن در صحن دانشگاه فرانکفورت بعبایتکار جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نمایشگاه عکس فوق به معرض نمایش گزارده شد که مورد بازدید و توجه چندین صد دانشجو قرار گرفت.

در این نمایشگاه بیش از ۳۰۰ مارک برای کمک بزندانیان سیاسی ایران جمع آوری شد.

اعتراض به کشتار زندانی سیاسی

ویتسن هایزن / آلمان غربی

جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در این شهر اعلامیه ای منتشر ساخته و طی آن جنایت اخیر رژیم شاه را علیه زندانی سیاسی افشاء کردند. عدد زیادی از اهالی شهر با امضاء قطعنامه ای که دانشجویان تهیه کرده بودند همه این جنایت رژیم اعتراض کردند. این قطعنامه با امضای جمع آوری شده برای آقای والد هیم دبیر کل سازمان ملل متحد ارسال گردید.

ترکیه

جوانان و دانشجویان دمکرات در ترکیه نیز بوسیله اعلامیه ای بکشتار زندانیان گروه جزئی شدیداً اعتراض کردند. این اعلامیه توانست افکار عمومی ترکیه را علیه رژیم خونخوار شاه برانگیزد. این اعلامیه در اغلب جلسات حزب کارگر ترکیه خوانده و مورد توجه قرار گرفت. از طرف حزب کارگر ترکیه تلگرافی با ابراز نصرت و اعتراض به این عمل

فاشیستی رژیم شاه به تهران مخابره شد .

به مناسبت پیروزی خلق قهرمان ویت نام

ترکیه



حوانان و دانشجویان
مکرات ایرانی در ترکیه
به مناسبت پیروزی خلق
قهرمان ویت نام اعلامیه
ای چاپ و پخش کردند
در این اعلامیه از جمله
میخوانیم : "با پیروزی
نهائی خلق قهرمان
ویت نام شکست امپیر
یالیسم آمریکا و ایمن
جنایتکار بزرگ تاریخ
پرد از روی سالوسانه
و دروغین این زاندارم
بین المللی کنار رفت و
چهره واقعی امپریالیسم
و قبل از همه امپریالیسم
امریکا بدون هیچگونه
پوششی به جهانیان
و از جمله به مردم آمریکا
نشان داده شد .

دیگر همیمانان نیز

میدانند و وقتی او میگوید " آزادی " منظورش آزادی در غارت و اسارت خلقهاست .

جشن پیروزی خلق ویت نام در فرانکفورت / آلمان غربی

روز ۱۵ ژوئن ۷۵ به مناسبت پیروزی بزرگ و درخشان خلق ویت نام بر امپریالیسم آمریکا
جشن باشکوهی از طرف کمیته همبستگی ضد امپریالیستی آلمان غربی برگزار شد و در آن
نمایندگان جمهوری دموکراتیک ویت نام و دولت موقت انقلابی ویت نام جنوبی شرکت
داشتند ، علاوه بر سازمان های مترقی دیگر آلمانی و خارجی ، از دبیرخانه خارجی
سازمان جوانان و دانشجویان مکرات ایران نیز دعوت بعمل آمده بود .

نماینده دبیرخانه خارجی (ادیسی Organization of Democratic Youth and Students of Iran)

پس از آنکه به مناسبت این پیروزی از جانب جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به دانشجویان ویت نامی و خلق قهرمان ویت نام شادباش گفت مطلق سخنانی از چهره رژیم منقر شاهی که شباهت زیادی به رژیم وان تیو دارد پدید آمد و اعلام نمود همانطور که پیکار خلق ویت نام و همبستگی و پشتیبانی بین المللی نیروهای صلح و سوسیالیسم از آن موجب شکست دکترین نیکسون در آن کشور گردید با اتحاد عمل تمام نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در ایران نیز رژیم استبدادی و تروری شاه سرنوگن خواهد شد و باری دیگر بر دکترین نیکسون مهر بطلان خواهد خورد.

روز زندانیان سیاسی - ۲۱ اردیبهشت

ایتالیا

در روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۴ (روز شهادت قهرمان ملی ایران خسرو روزبه - روز زندانیان سیاسی) اعلامیه ای از طرف جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در ایتالیا بزبان فارسی منتشر و بطور وسیعی پخش گردید. بهمین مناسبت به ابتکار دانشجویان دمکرات ایران مقاله ای درباره ترور و اختناق حکم برکشور و اوضاع زندانیان سیاسی در روزنامه اونیتا که چندین ملیون خواننده دارد در ۱۳ مه ۱۹۷۵ چاپ شد. در این مقاله ضمن تجلیل از خاطره خسرو روزبه قهرمان ملی ایران از جمله گفته شده است که زندانیان سیاسی ایران با خطر تازه کشته شدن در زندان مواجه هستند و از اینرو باید با تجهیز افکار عمومی دست رژیم را از جنایت های تازه بازداشت.

اعتراض به ممنوع کردن کار برای دانشجویان خارجی در آلمان غربی

شرایط زندگی دانشجویان و جوانان در کشورهای سرمایه داری پیشرفته بعلمت تورم اقتصادی، بیکاری فزاینده، کاهش ارزش پول و سیاست نظامیگری دولتهای این کشورها هرروز دشوارتر میگردد. از اینجهت سازمانهای مترقی دانشجویی آلمان غربی در روز ۱۱ ژوئن میتینگ با شکوهی در شهر دورتموند تشکیل دادند که در آن بیش از ۴۰ هزار دانشجو شرکت کردند. دانشجویان مترقی خواستار کاهش مخارج نظامی و تسلیحاتی بنفع بهبود زندگی تمام زحمتکشان و دانشجویان بودند. از سوی دیگر مقامات آلمان غربی با ممنوع کردن کار برای دانشجویان خارجی بهنند تعطیلات موجب گردیدند که فشار وارده در اثر بحران عمومی سرمایه داری به اینک دانشجویان تشدید گردد.

از اینجهت دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران با انتشار اعلامیه ای در افشاء سیاست نظامیگری و تسلیحاتی رژیم شاه و رابطه این سیاست با خواستههای محافل مرتجع و مجتمع صنعتی - نظامی کشورهای امپریالیستی خواستار لغو این تضیقات به دانشجویان خارجی شد و بشرکت در این میتینگ دعوت کرد. این

دعوت با استقبال دانشجویان مزبور رویرو شد و در متینگ دورتموند خواسته‌های دانشجویان خارجی بوسیله نماینده دانشجویان فنلاند طی يك سخنرانی جالب به اطلاع شرکت کنندگان در متینگ و افکار عمومی رسانده شد *

بخش برلن غربی دبیرخانه خارجی جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در چند هفته اخیر با فعالیت چشمگیر خود در موارد مختلف بوظائف میهنی خود عمل کرده است - از جمله بعلمت کشتار ۹ زندانی سیاسی اعلامیه هائی بزبان فارسی و آلمانی در افشا رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه پخش کرده، بطور وسیعی در تظاهرات اول ماه مه زحمتکشان برلن غربی فعالانه شرکت کرده و بالاخره با نشر جزوه ای تحت عنوان "نظایمگری در ایران" به افشای رژیم شاه و پرده داری از چهره کزیه آن پرداخته است *

مدتی است بدستور سازمان امنیت پاسپورت ۱۲ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم اطرش از طرف سفارت ایران در اطریش تمدید نمیگردد *

رژیم مغرور پهلوی که با مخالفین خود در ایران با شیوه شکنجه و آدمکشی مقابله می کند و با هزاران وسیله غیر انسانی سعی دارد پرخاش را در گلوئی مردم خفه کند و از مبارزه جوانان مترقی و میهن پرست ایرانی در خارج از کشور هم واهمه دارد و بوسیله ارعاب و تهدید و تطمیح سعی دارد جلوی مبارزات روشنگرانه و ضد رژیمی دانشجویان مترقی و میهن پرست را سد کند *

این وظیفه به پلیس کشورهای سرمایه داری و سفارتخانه های شاه در خارج از کشور محول شده است *

سفارت ایران در اطریش بارها از تمدید گذرنامه های دانشجویان میهن پرست ایرانی در اطریش خود داری کرده و هربار در مقابل موج عظیم اعتراض محافل مترقی و دمکراتیک و مبارزه پیگیر دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور مجبور به عقب نشینی شده است *

این بار هم سفارت ایران در اطریش ناگزیر است گذرنامه دانشجویان را تمدید کند چه آزموده را آزمودن خطاست!

همانطور که آدمکشی، ترور پلیسی و شکنجه در ایران نتوانست جلو مبارزه بحق هم میهنان ما را بگیرد، همانطور هم این نوع اعمال ضد دمکراتیک و ضد دانشجویی سازمان امنیت شاه در خارج نمیتواند جلو مبارزات دانشجویان خارج از کشور را بگیرد *

مصطفی نامدار سفیر شاه در وین و سرپرست سابق سازمان امنیت نمیتواند ماوریت خود را در خاموش کردن موج مبارزات دانشجویان ایرانی در اطریش انجام دهد، همانطور که اتابکی مرحوم سفیر قلدر شاه در وین و سرهنگ زیبائی ماور شکنجه گر سازمان امنیت

بقیه ص ۱۶ ←

مائوئیستهای ایرانی

همکاری خود را با رژیم سیاه پهلوی
نشان میدهند

در زیرنامه دانشجویی رادرج
میکنیم که مشاهدات و نفرت
خود را در باره شیوه ترور -
بستی مائوئیستها بیان کرده
است.

چندی پیش نشریه کوچکی تحت نام "آرمان" نشریه سازمان دانشجویان دمکرات ایران بدستم رسید. این نشریه کوچک حاوی مطالب بسیار جالب و آموزنده و مهمترین اخبار روز ایران بود که البته منظور من در این نامه شرح مطالب آن نیست. لکن واقعه ای که در منزای دانشگاه شهر کلن در آلمان غربی روز ۱۴ مه اتفاق افتاد واقعه ای است که فکر میکنم باید آنرا بطور کوتاه بنام برادران دانشجوی خود آنها که صمیمانه و بی غرض در راه تحقق یافتن خواستهای خلقهای ستمدیده ایران مبارزه میکنند بیان کنم:

واقعه از این قرار است که دانشجویان دمکرات ایران که فکر میکنم بمنظور شریک شدن هرچه بیشتر در این شرایط ترور و اختناق مبارزه پنهانی دارند در این روز یک روزنامه دیواری تحت عنوان "اطلاعه سازمان دانشجویان دمکرات ایران" تهیه کرده و توسط افراد مترقی آلمانی در جلوی در ورودی منزا نصب کرده بودند. همچنین چند نسخه از نشریه "آرمان" در روی میز همان افراد مترقی آلمانی برای فروش گذاشته شده بود. پس از مدتی که مائوئیستها برآستی و برخلاف میل خود استقبال شدید دانشجویان را بخواندن روزنامه و نشریات دیدند وحشتی سروپایشان را فرا گرفت. "حقیقت همیشه در وجود این راستهای چپ نما وحشت میآفریند" ! چرا که روزنامه دیواری و نشریات به افشای مشی ضد انقلابی آنها در کنار افشای رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک پهلوی پرداخته بود و هر لحظه امکان داشت که هواخواهان انگشت شمار ناآگاهشان بیشتر به حقیقت پی ببرند و بر آنها بشورند. این بود که بکمک عده ای از مائوئیستهای آلمانی و چون شبگردانی که بکاروان میزنند ببه میز نشریات حمله کردند و روزنامه دیواری و نشریات را پاره پاره کرده و بخمال خود حقیقت را از جلوی دیدگان عموم بردیدند و تازه باز هم دستبردار نبودند و با براه انداختن بحث های جنجالی و مبتذل سعی میکردند عمل پشیمانانه خود را بگونه ای توجیه نمایند.

اینک روی سختم با شما دانشجویان عزیز بخصوص دانشجویان شهر کلن است !
من بعنوان یک فرد بیطرف میخواهم بگویم آیا روزنامه دیواری و نشریه "آرمان" مطالبی
جز در افشای رژیم درنده و فاسد پهلوی، دفاع از جنبش دانشجویی ایران، شناساندن
۲۱ اردیبهشت، روز زندانیان سیاسی و دفاع بلاشروط از حقوق حقه آنها بزرگداشت
سی امین سال پیروزی بر فاشیسم هیتلری، اخبار مربوط به ارتش تجاوزکار و استعماری ایران
در ظفار و افشای سازمانهای چپ نمای سیاسی تحت عنوان "اف بی آی سازمان مائو
ئیستی میسازد" موضوعی که اینک بکلی افشاء شده و حقیقتی انکار ناپذیر است، نوشته بود؟!

بپایید تا صادقانه و بی غرض لحظه ای ببیند شمیم، اینها کیانند ؟ !
 افرادی که برآستی گام در راه جنبش خلقهای ایران علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده و غارتگر او نهاده اند ؟ ! پس عملشانرا چگونه توجیح کنیم که جز خوشایند ساواک و شاه خود فروخته به امپریالیسم و ایران برپا داده نیست ؟ !

اگر در مقابل حقایق دیده و برهمن نهیم، برآستی خواهیم دید که اینها تحت چه پوششی
 ! بشری بخود اجازه داده اند در کنار ما بنشینند .

اینها افرادی هستند که هنوز سنگ مائو و مائوئیسم افشا شده و بی آبرو در میدان
 کارزار خلقهای جهان را بسینه میزنند و کاری جز اغفال نیروهای انقلابی و پراکندگی
 در صفوف مبارزان را ندارند .

ما که با احساساتی پاک فریاد اتحاد، مبارزه، پیروزی را از صمیم قلب برمیآوریم، آیا تابحال
 واقعا اندیشیده ایم که شعار هتتها در عمل است که جان میگیرد و پیروز میگردد ؟

هرکدام از ما شاید تابحال هزارها بار فریاد کشیده ایم "اتحاد" ! لکن اگر ما برآستی
 به " اتحاد " آنطور که میگوئیم باور داریم، پس چگونه باید اجازه دهیم که افرادی تحت
 نام " دانشجو " روزنامه ای را که صرفنای علیه رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه تهیه شده
 بود، مابیشمری تمام پاره کنند و نشریاتی را که نمایانگر خواستههای ملت ستمدیده و مامور
 جنبش ما است نابود سازند ؟

اگر اینها افراد شناخته شده و ساواک بودند، تکلیف ما با آنها روشن بوده، لکن جای تا اینجا
 است که این افراد در کنار ما نشسته اند و در زیر سرپوش چپ نمای مائوئیستی به جنبش
 دانشجویی و در مجموع به جنبش خلقهای ایران ضربه میزنند .

توجه کنید چقدر مسخره است شخصی که همراه افراد معدود دیگری روزنامه هاراپاره کرد
 بود در توجیه عمل ننگین و بیشرمانه خود در جواب يك آلمانی که سوال کرد " چرا چنین
 کردید ؟ " جواب داد : در شهر کلن يك نیروی دانشجویی علیه رژیم وجود دارد و اگر
 نشریه ای باشد باید به آن تعلق داشته و زیر نظر آن بوده و از خط مشی آن پیروی کند .
 میخواهم بپرسم آیا بنظر شما جنبش خلقهای ستمدیده ایران بدانشجویان اتحادیه شهر
 کلن بستگی دارد ؟ آیا اتحادیه دانشجویان شهر کلن حزب است که دارای ایدئولوژی
 خاصی باشد ؟ و آیا مگر میتوان بزور کسی را تحت ایدئولوژی خود درآورد ؟
 اگر چنین بود رژیم که از سالها پیش بزور سرنیزه و توپ و تفنگ آغاز باین کار کرده، می
 یست تا بحال پیروز شده باشد !

شخص دیگری میگفت: در نشریه آرمان از شوروی دفاع شده است، که البته منظور من مقاله
 " سی سال پیش فاشیسم هیتلری در هم شکسته شد " بود . دوست عزیز ! آیا بنظر شما
 میتوان این واقعیت بزرگ تاریخ بشری را انکار کرد ؟ هنوز خون ۲۰ میلیون انسان شوروی
 خشک نشده است، از هی بیشمری که چشمهای تو مائوئیست قادر به دیدن پرچمهای سرخ
 برافراشته بر فراز زادگاه سوسیالیسم نیست . اگر امروز ارتجاع و امپریالیسم جهانی با
 شکستی مفتضحانه به عقب میروند، بعلمت وجود اردوگاه نیرومند سوسیالیسم است .

امروز رابطه کلیه جنبشهای آزادپیش با کشورهای سوسیالیستی و سمت گیری آنها بسوی سوسیالیسم خاری است که به چشم تو فرو میرود. آری این آقای مائوتسیت خجالتی در بحث خنده دارش بایک آلمانی در مانده و بی سلاح میگفت: " ما میخواهیم تنها مبارزه کنیم و کاری به کشورهای دیگر و نیروهای انقلابی دیگر نداریم".
 قضاوت در مقابل این جواب را به شما واگذار میکنم. مائوتسیتهدار حالیکه امروزه در صحنه جهانی که دو سیستم در مقابل هم قرار گرفته اند و برای پیروزی حتی بر سیستم ضدانقلابی امپریالیسم کلیه نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی داخلی و خارجی میباید متحد شوند پرچم تجزیه طلبی را بدوش گرفته اند.

در خاتمه دوستان عزیز دانشجوی هروی سختم با شماست! با شما که اگر بدون غرض خواهان پیروزی مردم ایران بر امپریالیسم جهانی و رژیم دست نشانده آن هستید!
 اگر به اتحاد مبارزه پیروزی ایمان دارید لحظه ای بیاندیشید و آنطور که شایسته است قضاوت کنید.

کار این عده مشکوک و ارباب فریب کاریست ضد انقلابی و مخالف منافع خلقهای ایران کاریست علیه نریاد زندانیان سیاسی که از تنگنای مخوف شکنجه گاههای به اتحاد برمیخیزد.
 با شماست که صفوف خود را از این افراد پاک کنید.
 بگذرید نام جنبش دانشجویی ایران همچنان نام پر افتخار باقی بماند.

پیروز باد اتحاد کلیه نیروهای مترقی علیه رژیم وابسته
 و ضد خلقی شاه
 م. رهگذر

بقیه از ص ۱۳

در اطریش موفق به انجام آن نشدند.

ما شدیداً باین اعمال غیر قانونی و ضد دانشجویی سفارت ایران در اطریش اعتراض می کنیم و خواهان استرداد فوری گد رنامه های معتبر دانشجویان هستیم.

■ ■ ■

آخرین خبر:

بد نیال مبارزات دانشجویان مترقی و دمکرات ایران در اطریش که مانند گذشته قرین پیروزی بود سفارت ایران در وین اینبار هم مجبور شد به خواست حق و قاناد دانشجویان تن دهد و گد رنامه های انبسان را مسترد کند.
 ما این پیروزی را به دوستان مبارز دانشجویی و همه مبارزان ضد رژیم شادباش میگوئیم.

آرمان

پیر و زیاد مبارزات دلاورانه دانشجویان دانشگاههای ایران

گراندولا

از ترانه

تا سمینار کوئیمبرا

کوئیمبرا G o i m b r a شهری است در پرتغال . از اول قرن چهاردهم مسیحی دانشگاه دارد و تقریباً برای همین مدت هم دارای سنت پیکار دانشجویی است .

آری کمیسیون پایه گذاران اتحادیه ملی دانشجویان پرتغال و اتحادیه بین المللی دانشجویان مشترکاً در آنجا سمیناری برای دمکراتیزه کردن آموزش برپا داشته بودند . برای ما که از دور و نزدیک در جنبش دانشجویی و رهایی بخش ایران شرکت داریم دقت در این سمینار و افکری که از خواندن اخبارش در ذهتمان برمیخیزد ، شادی بخش و هیجان آور است .

خود بخود این احساس در ما برانگیخته میشود که امروز پرتغال مغرودای ماست . هنگام بحث درباره معضلات پس مانده سیستم تعلیماتی فاشیستی و رفع آن شور و هیجان عمیق و انضباط علمی باهم مزوج بودند . صحبت بر سر این بود ، که چگونه باید سیاست فرهنگی " بنفع آقا زاد " ها را که هدفش کرختی ملی بود ، سریع آرام و ثمر بخش تبدیل بیک سیاست فرهنگی ملی کرد .

هنگام جشن چنان از صمیم دل ، روح و جان خود را در سرود هایشان میدهند که گویی هزارها قربانی و زندانی رژیم ۴۸ ساله نکبت همه باهم به نیایش آزادی ایستاده و سرود پیروزی میسرایند .

آنها در بحث های خود از سرنوشته جوانان جلالی وطن کرده نیز غافل نبودند و نقشه اعاده آنها را بوطون ، بمدرسه و دانشگاه طرح میکردند . وزیر کار پرتغال طی سخنرانی خود در جلسه نهائی سمینار دانشجویان هایشان را در ادامه مبارزه پرتغر خود علیسه بیسوادی و بیماری تشویق کرد .

ایشها همه بجای خود ! ولی تا کسی خود آنجا نبود ، باشد نمیتواند از آنهمه شوق و شور آنقدر که باید کسب حرارت کند . مقصود ما هم بازگویی جریان کار سمینار نیست بلکه میخواهیم با قرائن و شواهد قدری در زندگی دانشجویی در دوران فاشیسم مطالعه کنیم .

یعنی در " دیروز " دانشجویان پرتغالی که " امروز " ماست . پرتغال چه مفاهیمی را در ذهن ما تداعی میکند ؟

یک رژیم پوک و متفرعن که خود را موظف مینداشت فرهنگ و تمدن مغرب زمین مسیحی را در گوشت و پوست مردم آفریقا بسوزاند و ضمناً قرینه الهی اله ثروت و نیروی کار آنان را نیز بسچاپد . و از آنجائیکه اعمال ستم خارجی بدون اعمال ستم داخلی ممکن نیست ، در داخل پرتغال هم خفقان ، بیسوادی ، میعدالتی ، متغشیش عقاید بیداد میکرد .

در پرتغال قرون تاریک وسطی همچنان ادامه داشت. منتها دشمن دیگر نامش کافر و ملحد و جن زده نبود بلکه در آنجا هم مثل ایران دمکرات ها و کمونیستها و لیبرالها را به صلابه میکشیدند. "پی ده" (ساواک پرتغال) ظاهرا چیزی با سم آراشی ایجاد کرده بود. سرباز ظاهرا بی سروصدا پی جنگ مستعمراتیش میرفت و دهقان ظاهرا با خضوع محصول زمین را به ملاک تحویل میداد. کارگر ظاهرا بدون اعتراض کمبود زندگیش را تحمل میکرد و دانشجو ظاهرا با ادب بمطالعه کتب مجاز مشغول بود و خیل بیکار را سایه وار و ظاهرا بی صدا و بی ندا به اینور و آنور میکشیدند. روزنامه ها و ادب تله و ریزبون و کلیساها آسوده و بی دغدغه آسمان و ریسمان را بهم میآفتند.

تا آن شب !!

تا آن شب که یک فرستنده رادیویی ناغافل ترانه "منحله" گرانند و لا را پخش کرد. ۲۵ آوریل ۱۹۷۴.

سرباز سر تنگنا را برگرداند. کارگران و دهقانان و دانشجویان زنان و مردان میهن پر و زحمتکش همه قد راست کردند و زنجیرهای پوسیده را از خود تکاندند و مهرسکوت ظاهری را از لب کندند. انقلاب چنان بسرعت اوج گرفت که تنگنا دیگر فرصت خشم نیافتند و گل میخک بردهان گرفتند. همان روز بعد بود که نخست خیابانهای لیسبون و سپس تمام پرتغال از سرود انترناسیونال سرشار شدند. شگفتا که در همان نخستین روزها انقلاب پایه های سازمانی پیدا کرد و دانشجویان نیز بنوبه خود با هدفهای روشن و غلبهای پخته دست یکنار شدند!

شگفتا؟ نه! کارگران و دهقانان و سربازان و دانشجویان هرگز از زندگی عمومی و مسئولیت سیاسی خود غافل نبودند. حتی در سیاهترین روزهای فاشیسم در کارگاه و سربازخانه و در مزرعه و در کلاس درس انقلاب را پی ریزی کرده بودند. باحزم و تدبیر با خوشبینی و سرسختی دست ها و اندیشه هایشان را بهم رسانیده بودند. همه میدانستند که این رژیم رفتنی و مردنی است.

شرایط عینی داخلی انقلاب — انباشت ثروت در دست معدودی و پخش بینوایی در میان خلق و ستم ملی — همراه با شرایط عینی خارجی — تغییر روزافزون قوا بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم — روز بروز مساعدتر میشد و وطن پرستان هشیار میدانستند که برای آغاز انقلاب غیر از شرایط عینی شرایط ذهنی — تشکل حزبی آپوزسیون — هم لازم است. آنها میدانستند که تنها عجز هیئت حاکمه از ادامه حکومت بصورتی شسته کافی نیست بلکه محکومان نیز میبایست از شن دادن به حکومت سرباززنند. برای نیاز به آگاهی سیاسی دارند. باید آنها را آگاه کرد. باید بمیان مردم رفت. برای آگاه کردن مردم باید سازمان فعال داشت. باید حزب داشت.

چنین بود که وطن پرستان هشیار در خفا احزاب مترقی خود را تشکیل دادند و مردم را آگاه و برای انقلاب آماده ساختند. نقش دانشجویان در این امر بزرگ میهنی بسیار داشته بود. ما این را در این واقعیت تشخیص میدیم که بمجرد گریز کائتانو و دارودسته اش

محافل دانشجویی متشکل و بایرنامه های مشخص وارد صحنه پیکار علنی گردیدند . نتیجه گیری چیست ؟ دانشجویان میهن پرست ما نیز میبایست بیش از پیش سهیم خود را در ایجاد زمینه ذهنی انقلاب — یعنی آگاه و متشکل کردن نیروهای بالقوه انقلابی — ادا کنند . خود درس انقلاب را بیاموزند و آنرا به نفر بعد یاد دهند . هنگام انقلاب — که با توجه به سیر شتابنده جهان چندان دور نیست — باید شرایط ذهنی فراهم باشد . تنها وقوف به آنچه که نپسندیم کافی نیست ، باید بدانیم ، که چه میخواهیم !

بجای نظام سلطنتی چه میخواهیم ؟

بجای اقتصاد سرمایه داری چه باید گذاشت ؟

جای نظامیگری را چه باید بگیرد ؟

دوستان ما در خانواده بین الملل چه کسانی خواهند بود و دشمنان چه کسانی ؟ نند کارگران و روستائیان بلایه ها و طبقات محروم و زحمتکش با چه محرومیت هایی دست بگیرد و چه باید کرد ؟

ضد انقلاب — که همیشه بعد از انقلاب باید انتظار بروز را داشت — از چه سمت هایی میتواند برخیزد و چه شیوه هایی میزند ؟

برای اینهمه فعالیت ها باید پرشور و خونسرد و باحزم و احتیاط بود و همیشه وقوف داشت که ساواک ، نیک سازمان فاسد و وحشی و کم عقل است . اگر بی احتیاطی و تصادف نبی بود تعداد قربانیان شما مراتب کمتر از آنی میبود که هست .

ساواک و رژیم چون دشمن مردمند و بدیهی است که در اعماق جامعه نفوذ ندارند و یسک انقلابی در اعماق جامعه جایش امن است .

اینرا دانشجویان و سایر انقلابیون پرتغال هم تجربه کرده اند .

رژیم شاه مثل یخ روی آب رودخانه است . سرد و منجمد و وامانده . در حالیکه در زیر آن آب بی وقفه جریان دارد و خود را بدریا میرساند .

ساواک شاه با تمام سبعیتش همانقدر توزرد است که انقلاب سفیدش توزرد بود . ولی یوازی غلبیم

براین هردو محصول نفرت انگیز رژیم شاه باید متحد شویم و مبارزه کنیم .

آری ، وظیفه ما است که همراه خلق خود برای شنیدن

ترانسه پیروزی در میهن عزیزمان ایران آماده شویم !



وحدت ارتش و مردم در پرتغال کودتای ارتجاعی را در هم گوید .

افق روشن است

در جاشیه پیروزی بزرگ مردم ویتنام

در بحبوحه "جنگ سرد" ، در آن هنگام که سیاستمداران و نظامیان امپریالیسم امریکا لاف زنان می گفتند : " ما میتوانیم باذخایر بمب اتمی خود سه بار اتحاد شوروی را نابود کنیم " ، دیکتاتور ایران - " خدایگان شاهنشاه آریامهر ! - به اتکا و ارباب ماورا ، اقیانوس ، در نطق ها و مصاحبه های خود باد در گلو انداخته ، بلبل - زبانی میفرمودند و می گفتند : " افق ما روشن است " . این عین اصطلاح " ملوکانه " است !

وقتی " تعرض صلح " آغاز شد ، نیروی های مرفقی بمسوق خود گفتند که چرخش بزرگی در وضع جهان در کار روی دادن است و ایران باید بر سر این دوراهه جنگ سرد یا صلح و همزیستی ، راه دوم را برگزیند . جناب اعلیحضرت از این سخنان سخت برآشفته شد و در کنگره با اصطلاح ملی به " توده ای های بی وطن " تاخت و تا ز کرد و کمی دیر تر در خارگ از رسالت خود برای حفظ اقیانوسها دم زد و نعره کشید که وی " سیاست زمین سوخته " را بهنگام لزوم اجرا خواهد کرد .

و اکنون که بدنیا ل ژنرال یحیی خان سرهنگان سیاه یونان ، " شیر یهودا " در حبشه ، شاه افغان ، دیکتاتور فاشیست پرتغال ، تیره نوکران تازه به تازه ای از نوع لن نول و وان تیو فرار را بر قرار ترجیح میدهند و نقشه گذاری پنتاگون فرموده " سرزمین سوخته " آنها نیمسوخته رها میشود ، آیا اعلیحضرت باز هم مانند سابق افق را روشن می بیند؟ تصور نمی کنم ! البته وی که از مایه بشری بهره ای وافی دارد سعی میکند خود را از تنگ و تا نیاندازد ، ولی حتی در اظهارات احتیاط آمیز هفتت ها و ماههای اخیر نگرانی در رویش خوانده میشود . زیرا قلدر ایران هم از قماش همین قلدرهای گریزنا و او در گریزنائی نسبت بآنها حق پیشگمستی هم دارد !

تاریخ می گوید : زمانی يك سر جاسوس در جامه " روزنامه نویس " بنام مستر رپورتر ،

پدر شاه فعلی ، رضاخان میرنچ را که از دائره جاسوسی بریگاد

قزاق باقی مانده بود و پس از پیروزی انقلاب اکبر ، تحویل میراث خوار تواریسم می

امپریالیسم انگلستان شده بود ، ژنرال ایرونیساید نماینده دائره اکتشافات ارتش

انگلیس (که برای قلدر سازی بدور کشور شوروی به ایران آمده بود) تحویل داد و در

نتیجه این مرد بیست سال دیکتاتور ایران شد .

تاریخ هم چنین میگوید : پسر او شاه کونی ، که زمانی با ف . مایر ، رئیس سازمان

گشتاپو در تهران و نیز ی . شولته جاسوس گشتاپو ، که در

ایام جنگ بایران آمد، همکاری داشته است. بعد از خورد شدن نازیم، شاه کنونی به میراث خوار او، امپریالیسم انگلوساکسن پیوست و با کپلکس نظامی - صنعتی امریکه پنتاگون و سیا و صیهونیسیم بین المللی عهد مودت بست و بدینسان یکی از تکیه گاهها مورد اعتماد سرمایه داری جهانی، ژاندارم خلیج، دلال نفرت، خرگ خونخوار ضسند کمونیست در منطقه بدل گردید و یکی از تنگین ترین اعصار را در تاریخ باصطلاح "دو-سه" یا نصد ساله شاهنشاهی "بوجود آورده است."

از این لحاظ مابین شاه و امثال وان تیو تفاوتی نیست. ایجاد شرایط مساعد برای تاراج مواد خام گرانبها، عرضه داشت کشور به سیاست نواستعماری، ایجاد بازار فروش هروغین، میرغصبی و شکنجه گری در مناشانه علیه یاران استقلال و آزادی، همچنین است فهرست مشترک اعمال وان تیو و "شاهنشاه آریامهر"!

ولی حال که از لیسبون تا سایگون زمین زیر پای امثال محمد رضا شاه ها میلرزد، و ی سعی دارد این حوادث را بروی مبارک خود نیآورد و رژیم خود را "انقلابی" و "خلق" و "متکی بخود" جایزند.

ایشان فرمودند و جارچیان متعلقه تکرار کردند: "ولی آیا مردم ایران و جهان باور کردند؟" ابتدا!

این مرد به بابول بازبها و شیوه زنی ها، دیپلماسی خیلی باور دارد و تصور می کند که با نفت و عواید آن، همک سیاست خنده و عوام فریبی، میتواند جریان نیرومند تاریخ را همیشه بسود خود نگاه دارد.

باید صریح گفت: این نشانه سفاهت اوست.

نویسنده بزرگ روس، تولستوی در مورد این نوع "ناخدا یان دریای آرام" مثالی می آورد: "گرچی کوچکی با طناب به کشتی بزرگی بسته شده، هرچی در دریای آرام جلو میرود و دائما داد و فریاد میکند، که این اوست که کشتی را بدنیال خود می کشاند. ولی طوفان در میگیرد، طناب می گسلد، کشتی تاریخ براه خود میرود و گرچی مغرور در قرقاب سرنگون میشود."

آری و آن روزگار خوشی که "اعلیحضرت" باد درگلو افکنان، میفرمودند: "ما از چرخ خجلو تریم" دیگر گذشته است و می گذرد. دوران نوی آغاز میشود. د و رانی ببری نوسازان تاریخ، و برای آنهاست که افق واقعا روشن است!

مردم ایران در راه سرنگونی
رژیم موجود مبارزه میکنند!

عمال ساواک "آرمان" را پاره کردند

ماتویست ها "آرمان" را محکوم کردند .

"آرمان" معنویان نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و وظیفه ای جز نشر فعالیت و اندیشه سازمان مذکور ندارد . سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران پنج وظیفه اصلی برای خود قائل گردید است که عبارتند از :

- ۱ - مبارزه با تسلط اقتصادی سیاسی و نظامی امپریالیسم امپریالیسم آمریکا در ایران .
- ۲ - مبارزه با رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک شاه .
- ۳ - مبارزه برای اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری بطور اعم و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری در بین جوانان و دانشجویان بطور اخص .
- ۴ - مبارزه برای دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان .
- ۵ - پشتیبانی از جنبش های ضد امپریالیستی و دمکراتیک در سراسر جهان .

از آنجا که انجام چنین وظائف خطیری میبایست تحت شرایط خفقان حاکم بیروطن ساواک زده ما صورت گیرد ، ما خود از همان آغاز و پیش از همه به دشواری تحقق هدف های والای خویش وقوف داشتیم و در انتظار حمله ارتجاع بودیم . زیرا ما میدانستیم که چه میخواهیم و با که میزنیم .

از اینرو برای "آرمان" بسیار روشن بود که بمجرد آغاز پیکار ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری خود ، عمال بی پرده و در پرده ارتجاع داخلی و خارجی به آن خواهند تاخت و در صد بی ارج جلوه دادن نبرد ضد امپریالیستی جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بخواهند آمد . همینطور هم شد .

خدمتگزاران رژیم سراسیمه و وحشت زده به میدان دویدند و نخست در شهر کلن / آلمان غربی روزنامه دیواری دانشجویان دمکرات ایران را که خبر کشتار ۹ نفر زندانی سیاسی بی دفاع را بوسیله رژیم تروریست و جانی پرور ایران به اطلاع افکار عمومی رسانید پاره کردند !

آنها نشریه ضمیمه "آرمان" را نیز برودند . مطالب مندرج در این نشریه را یکی از دانشجویان دمکرات مقیم ایران تهیه کرده و طی آن به گویاترین وجه چهره کریمه رژیم شاه را نمودار ساخته و با نشان دادن واقعیات روزمره و زندگی توان فرسای زحمتکش ایران خط بطلان بر تمام تبلیغات میان تهی و دروغ رژیم کشیده بود . علاوه بر این یک دانشجوی آلمانی که مشغول فروش این نشریه بود مورد آزار و اذیت عمال رژیم قرار گرفت

لیکن کارگزاران رژیم به این هم بسنده نکردند و میکوشیدند تا باتوسل به تهدید و ارغاب دانشجوی آلمانی هنام کسانی را که "آرمان" را در اختیارش گذارده بودند، از او بیرون بکشند.

بدیهی است که رژیم شاه بهر وسیله ای که بتواند میکوشد تا جلوی انتشار این گونه "سپند رسواگر" را بگیرد.

شهر دانشجویی مونستر / آلمان غربی نیز عمال ساواک در جستجوی "کشف" پخش کنندگان "آرمان" هستند تا مزد آنها را در کف دستشان بگذارند!

همکاری مائوئیست ها با عمال ساواک در شهرهای دیگر هم ادامه دارد. در برلین غربی مائوئیست های "توفانی" و "ستاره سرخی" و "آرمان" را طی اعلامیه ای محکوم کردند.

برای دوستان خلق چه چیز دل افروز تر از اینکه دشمنان خلق و سرسپردگان امپریالیسم و ازتجاج آنها را محکوم کنند. این سند سرفرازی ما است.

آری "آرمان" به این افتخار نائل آمد که از طرف عمال ساواک پاره شد و از جانب مائوئیست ها پاره گردید. ولی همانطور که در اطلاعیه تشکیل سازمان دانشجویان دمکرات ایران تصریح شده است، سازمان ما با تشکیل خود و با اعلام وظائفی که در برابر خود قرار داده است و در راهی گام مینهد که بدون تردید دشواری ها و بغرنجی های فراوانی را منجمد از جانب رژیم شاه و چه از جانب نفاق افکنان رنگارنگ در جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران، در بر دارد. ولی حقانیت مبارزه ماه روحیه مقاوم و پیکارجوی دانشجویان آگاه و مترقی ما و پشتیبانی مردم میهن ما این نیرو و امید را بما میدهد که بر دشواری ها و بغرنجی ها غلبه کنیم.

ما تردیدی نداریم که در خدمت به آرمانهای خلق های ایران موفق خواهیم شد.

توجه

از طرف موسسه ناشر "آنتی امپریالیستیش بولتن" نشریه ای در ۸۰ صفحه دربار ایران منتشر شده است.

این نشریه توانسته است به بهترین وجه وضع سیاسی و اقتصادی ایران و وابستگی آن به امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تشریح کند. در این نشریه نظایمگری شاه و انگیزه های آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. مولفین توجه خاصی هم به سرنوشت زندانیان سیاسی ایران داشته اند و مقالاتی از حقوقدانان برجسته جهان که در چند سال اخیر بعنوان ناظر در دادگاههای نظامی ایران حضور یافته اند، منتشر ساخته اند که برای خواننده آلمانی بسیار روشنگر است.

ایرانیان میهن پرست! خواندن این نشریه را به دوستان آلمانی خود توصیه کنید.



با کمک مالی خود
 به "آرمان"
 ضامن توسعه
 امکانات افشاگرانه
 آن شوید.

از کوزه همان برون تراود که در اوست

آرمان

نشریه دبیرخانه خارجی

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

شماره بانکی

G. Sobich

Kreissparkasse Recklinghausen

Fil. Dorsten-Holsterhausen

Girokonto 1656974

آدرس پستی

Gustav Sobich

427 Dorsten

Friedenau 3

West-Germany

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic Youth and Students of Iran

Price: 0,50 DM or its equivalent in all other Countries